

وت طعام می‌رسید که نمی‌دانستم.

مصراع:

با که آمیزم از که پرهیزم

هر کسی که اراده دعوت می‌کرد، اول به دیدن من می‌آمد، پس رقعۀ دعوت را به همراه آورده، اگر من در خانه نبودم گذاشته می‌رفت. حالا مجملی از اوضاع دبلن، که سوادعظم این ولایت است، به قلم داده می‌شود.

ذکر اوضاع شهر «دبلن»،
دارالملک جزیره ایراند

بباید دانست که شهر مذکور واقع است بر لب دریای شور، دایره محیط آن دوازده میل است. خانه‌ها بعضی از سنگ تراشیده که بی آهک بر روی هم چیده، چفت و بند نموده‌اند و اکثر از گشت و آهک بسیار صاف شده که طرف بیرون، خط باریکی از آهک دورخشت نمودار است، و طرف اندرون سفیدکاری و تذهیب و اسباب زینت معمولۀ فرنگ، در اکثر چهار طبقه و بعضی بیش از آن عدد طبقات در یک محله و کوچه یکسان، یک درجه از آن ته خانه برای مطبخ و ذخیره نهادن ذغال و یخ و امثال آن اشیاء و گذاشتن ظروف چینی و شستن پارچه تمام اهل خانه، و درجه زمینی برای دوشک‌خانه و خوردن طعام و حاضری، و بالاخانه اول برای نشیمن زنان و مجلس شب نشینی، و دوم برای رخت خواب صاحبان خانه، و بالاخانه سیوم که سقف پست محافظ باران و برف، صندوقی «کهپریلی» بر آن است و زینتی ندارد، برای رخت خواب و نشیمن چاکران زن و مرد، و ذخیره نهادن غله است، و «کهپره» آن از تخته سنگ نازک مسطح یک وجب در طول و نیم در عرض می‌باشد، که بر قالب دوپله ساخته از چوب خشک باریک سبک ساخته به رشته نجاری، مسطح و هموار، بایکدیگر چسبانند. بر چوب خانه‌ها همه کار رنگ و روغن، اکثر سفید، در چینه‌ها همه اورسی آینه [دار] و از در چینه دوتا شده در دیوار جانبین خانه جاگیرد. پرده بعضی از مشجر و اطلس، اکثر از چیت، از جانب اندرون [آویخته] و در حجره‌ها بخاریهای سنگ مرمر است. اندرون بخاری آتشدانی مشبک از آهن یا برنج یکدست، مرتفع از زمین، آن قدر خوش طراز و ساخت نصب کرده‌اند که در زمستان بینه‌گلدانی نماید، و در تابستان گل‌های کاغذ بریده بر آن

گذارند و بادگیری باشد. دیوارگیریها از کاغذهای نقاشی، متن حاشیه‌دار، فرش ازقالین پشمی است، در رنگ و طرز این کاغذ و قالین و پارچه چیت آن قدر تنوع و الوان به کار برند که در مدت سه سال هیچ جا دو [خانه] به یک طرز دیده نشد، و رنگ هر چه باشد، نیرنگ پسند است. اما در مدخل خانه‌ها پست و تنگ، و قریب به محل خوردن طعام و حاضری و می‌شود. چنانچه اگر نام صاحبخانه و عدد بر آن نوشتندی [تمییز] مشکل شدی. این [در] همیشه بسته می‌ماند و جانب بیرون در اکثر، حلقه و بعضی میخی چون میخ طنبور، به رشته وابسته است که چون آن را بکشند زنگی را که در نشیمن چاکران معلق است بچیناند و چاکرفی الفور پابین آمده در را وا کنند. و همچنین از هر حجره خانه، زنگی در آن نشیمن آویخته است که چاکران از آن فهم کنند که در کدام حجره مملو بند، و بعد حرکت در همانجا حاضر آیند. راسته‌های کوچه همه مفروش به سنگ، منقسم به سه قسمت، جانبین مخصوص پیاده، مفروش به سنگ مسطح تراشیده، وسط از سنگ‌خارا برای «کوچ» و سوار؛ در اکثر محلات هر دو طرف دکا کین اهل حرفه است، و در محله اکابر به جای دکان حجره‌های آهن به قد آدم، در صحن پشت ته‌خانه‌هاست که هر دو جانب یا یک طرف در مدخل شاهانه دوسه گز در عرض و طول، به قدر حد خانه مرسوم است، و چاه آب و شیردهان شعبه‌نهر و ناودان ته‌خانه در آن می‌باشد. و دری، که مقفل، در آن محجره منصوب است، تا مردم مطبخ از اصل خانه آمد و رفت ننمایند، بلکه از زینه‌ها تا آن در مخفی آمده، اشیای ثقیله کثیفه از آن راه، اندرون و بیرون برند. این صحن درجه [ته] خانه را روشن دارد، و در خانه‌های غربا به جای آن شکافی دوسه دست مربع که شبکه آهنی بر آن گذاشته‌اند، و به وقت انداختن ذغال و هیمه به ته‌خانه برداشته می‌شود و در، بیخ دیوار [خانه] متصل به راسته پیاده می‌سازند، و الا روشنی در آن درجه [در] ممکن و بیکاره خواهد بود. چه راه ته‌خانه اکثر زیر سقف زینه بالاخانه، متصل در مدخل صحن عقب معمول می‌باشد. و این صحن که در خانه غربا زیاده از شش هفت ذرع نیست، مخصوص «مکان ضرور» خانه است. و در خانه بزرگان، پایین باغ، دکانهای وسیع عریض، پیش و از پی در اورسی است. روزانه از «اورسی» های آینه، حجاب بر او کشند و شب تخته‌های استوار، که در هر کوچه به یک رنگ و یک نقش معمول است، بیرون اورسی چیده از سیخهای آهنی که در عرض گذارند مقفل کنند. اشیای نفایس عالم روز و شب بیک منوال به انتظام تمام و به ترتیب در آنها چیده است. زیاده از یک سخن در معامله رسم نیست. و خریدار را اگر چه بیگانه و ناواقف باشد، دغا و فریب ندهند. شرح نفایس اشیاء و غرابت صنایع [آن ملک] فضول است؛ چه، ضرب

(۱) در مدخل (در مدخل‌ها)، درهای ورودی. (۲) مقصود ویرین (جمعه آینه) است.

(۱) مشجر، جامه منقش به شاخ و برگ و جز آن. (آندراج).